

## قصه آتنا تکرار شد/ناپدیری بیش از ۷۰ بار به کیمیای ۷ ساله تجاوز کرد

این قصه پر غصه روایت زندگی آتناهاست. دختر بچه‌های پاک و معصومی که هنوز دلبسته عروسک بازی هستند اما در تلخی ناتمام این زندگی، قربانی هوی و هوس مردانی می شوند که ...

به گزارش ایسکانیوز و به نقل از فارس، داستان آتنای هفت ساله را همه شنیده اند. دختر بچه ای که برای آب خوردن به مغازه ای رفت که صاحبش رسم مهربانی و انسانیت را از یاد برده بود و ... هنوز داغ آتنای پارس آبادی سرد نشده که خبر آزار و اذیت جنسی دخترکی هفت ساله در استان البرز سرزبان ها افتاده. دختری به نام کیمیا که از طرف ناپدیری مورد تجاوز قرار گرفت تا این روزها روی تخت بیمارستان روزگار بگذراند.

آدرس روی کاغذ را نگاه می کنم. طبقه دوم. بخش کودکان. اتاق ۱۰۳. در اتاق باز است و مددکاری که کارهای درمانی کیمیا را انجام می دهد کنار تختش نشسته است. عروسکی سفید رنگ گوشه تخت افتاده و دختری که نامش کیمیاست آرام و بیصدا کنار عروسک خوابیده. انگار نه انگار که دختری هفت ساله است و پر از انرژی. همسالانش یک جا بند نمی شوند اما کیمیا نه تنها حرف نمی زند و بازی نمی کند بلکه با عروسک سفید رنگش هم قهر کرده.

کنارش می نشینم. ملحفه عروسکی اش را روی صورتش می کشد و می گوید با همه قهرم... مدد کارش با دیدن این حرکت به کیمیا می گوید: سعی کن بخوابی عزیزم. ما چند دقیقه بعد برمی گردیم. اتاق خلوت و آرام کیمیا را ترک می کنیم تا برای چند لحظه پای صحبت و درد دل مددکار کیمیا بنشینیم و جویای حال دختر ۷ ساله ای باشیم. دختری که این روزها لبخندش هم درد می کند.

کیمیا ۷ ساله به همراه مادر و مادر بزرگش در کرج زندگی می کرد، پس از سلب حضانت او از پدر واقعی ( به دلیل اعتیاد شدید ، عدم حمایت مالی و عاطفی فرزند و همسر ، آزار و اذیت جسمی و ضرب و شتم کیمیا و مادرش و...) حضانت کودک به مادرش داده شده و پدر و مادر از هم جدا می شوند.

رقیه موسوی مددکار موسسه خیریه مهرآفرین می گوید : پس از گذشت حدود یک سال، مادر کیمیا، برای تأمین مخارج و دیگر حمایت ها با مردی ازدواج کرد که ۵ سال از او کوچکتر بود.

موسوی می افزاید : طبق بررسی های صورت گرفته مشخص شد بابک علاوه بر مصرف مواد مخدر( شیشه )، دارای افکار عجیب و توهمات خاص است. مادر کیمیا زمانی متوجه این رفتارها می شود که با بابک ازدواج کرده بود.

وی در این خصوص توضیح می دهد: پس از اینکه مددجو(مادر کیمیا) با همسرش عقد موقت ( سیغه) می کند متوجه رفتارهای عجیبی از سوی بابک می شود. یکی از این رفتارهای عجیب قرص خوابی است که هر شب به مادر کیمیا می داد؛ به این بهانه که خوابی آرامتر

داشته باشد.

موسوی می‌افزاید: پدر ناتنی بارها (طبق گفته کیمیا ۷۰ بار) به وی تجاوز کرده است. مادر از این تجاوزها بی اطلاع بوده و درخواست دارد، به قاضی بگوییم او (مادر کیمیا) بی گناه است.

وی ادامه می‌دهد: از آنجا که خواب مادر کیمیا سنگین بوده و قرص خواب هم می‌خورده، بابک از این خواب سنگین و مداوم سو استفاده می‌کرده و به آزار دختر هفت ساله می‌پرداخته است.

چند دقیقه بعد به اتاق باز می‌گردیم. کیمیا هنوز علاقه‌ای به صحبت کردن ندارد اما وقتی مددکار با او صحبت می‌کند عروسکش را در آغوش می‌کشد و با زبان کودکانه شروع به تعریف ماجرای می‌کند که بارها و بارها تکرار شده است.

دخترک معصوم به راحتی در مورد نحوه ارتباط ناپدری با خود توضیح می‌دهد و این نشان از تکرار این اتفاق و پذیرش اجباری (به دلیل ترس از تنبیه فیزیکی به وسیله شلنگ) است.

مادر نیز از زندانی شدن در خانه توسط همسر، مورد ضرب و شتم قرار دادن به وسیله شلنگ، اجبار به استفاده از قرص‌های محرک و خواب آور خود و دخترش صحبت می‌کند.

ناپدری متجاوز پس از بازداشت و زندانی شدن اعتراف کرده که شیطان پرست بوده و به دخترچه‌ها علاقه داشته و به خاطر کیمیا با مادرش ازدواج کرده است.

طبق گفته مددکار کیمیا، مادر کیمیا که دچار مشکل عصبی شدیدی شده تحت درمان قرار گرفته و کیمیا به بهزیستی سپرده خواهد شد.

وی می‌افزاید: بی اطلاعی و نداشتن آگاهی از سوی مادر جهت مراقبت از کودک و ندادن آموزش به کودک در مواقع آزار جنسی از علل بروز این اتفاق ناگوار است.

کیمیا را با تمام دردها و تلخی‌هایی که بر روح و جسمش وارد شده ترک می‌کنیم. کیمیایی که برای التیام زخم‌هایش به زمان نیاز دارد. آن هم نه یک سال و دو سال. بلکه چند سال. شاید پس از این زمان طولانی اندکی از دردهایش التیام پیدا کند. شاید...